

اشاره:

موضوع افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات و فشارهای ناشی از آن بر اقشار مختلف مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر در روند اصلاحات ساختاری، همواره مدنظر اقتصاددانان بوده است و نظرات گوناگونی درباره شیوه‌های حمایت و تضمین حقوق مصرف‌کنندگان در فرآیند تعدیل ساختار اقتصادی ارایه شده است.

از آنجا که بخش قابل‌توجهی از افزایش قیمت کالاها و خدمات در قالب قانون دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور دیده شده و همچنان بر این مبنا براساس لوایح بودجه سالانه اعمال می‌شود و از آن جهت که این افزایش قیمت‌ها به نوبه خود موجی از رشد بهای کالاها و خدمات مصرفی دیگر را به دنبال دارد، لذا بحث حقوق مصرف‌کنندگان در شرایط کنونی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

درباره مباحث مربوط به رشد بهای کالاها، حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در شرایط کنونی اقتصاد کشور و... خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» با آقای دکتر فرشاد مؤمنی عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی به گفت‌وگو پرداخت.

دکتر مؤمنی که از سال ۱۳۶۹ به تدریس در دانشکده اقتصاد روی آورده، کتاب‌های «علم اقتصاد»، «بحران در اقتصاد ایران» و «کالبدشناسی یک برنامه توسعه» را به رشته تحریر درآورده است که کتاب اخیر حاوی ارزیابی اولین تجربه برنامه‌ریزی توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد.

با هم ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

برای مثال در مورد هر یک از این حقوق یکی از فروض بنیادی این است که یک بستر کاملاً تعریف‌شده از نظر حقوقی، سازمانی و نهادی موضوعیت دارد.

ماکس وبر معتقد است کشورهای صنعتی در قرن ۱۸ درباره مسأله مالکیت به‌عنوان یک اصل مقدس خدشه‌ناپذیر به

# حقوق مصرف‌کنندگان

در

چارچوب

ملاحظات

توسعه

ملی

تعریف

می‌شود

■ مبحث دفاع از حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده از چه زمانی مطرح شد؟

□ وقتی که بحث از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مطرح می‌شود، در واقع مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و شرایط موضوعیت پیدا می‌کند که باید درباره آنها نیز تأمل جدی کرد.

بر روندهای مربوط به کیفیت و قیمت کالاها و خدمات، عمدتاً به دورانی که با پدیده تولید انبوه روبه‌رو می‌شویم، بازمی‌گردد. در آن دوران است که حاکمیت مصرف‌کننده از جهاتی دارای معنی می‌شود، ولی از جهاتی چون امکان‌پذیری تأثیرگذاری بر روی ادراک و ترجیحات مصرف‌کننده، مسأله ابعاد دیگری هم پیدا می‌کند.

به‌طور کلی در مورد مصرف‌کننده و تولیدکننده، رابطه یک‌سویه‌ای را نمی‌توان در نظر گرفت. به‌دیگر سخن حقوق مصرف‌کننده زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که به حد نصابی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تولید دست پیدا کرده باشیم.

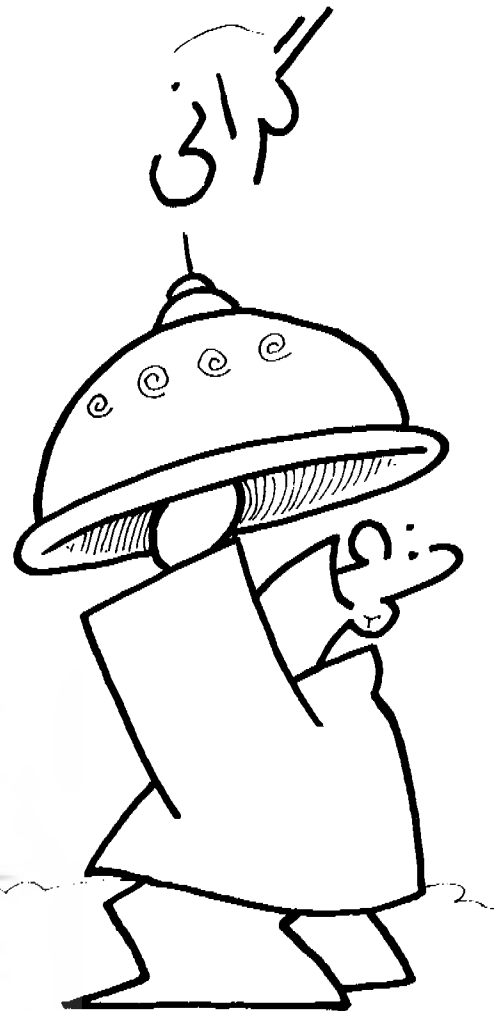
### ■ حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده را در جامعه ایران که اقتصاد آن در حال توسعه است، تشریح فرمایید.

□ بررسی موضوع حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده در یک گستره تاریخی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و شرایط اولیه وجود داشته است. چنانچه حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده در یک فضای توسعه‌نیافته مانند ایران دنبال شود، مشاهده می‌شود از جهات متعددی موانع و محدودیت‌هایی بر سر راه حقوق مسلم و بدیهی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وجود دارد.

به‌طور مثال در اقتصاد ایران، جامعه در سطح کلان در زمینه عرضه کالاها و خدمات به‌شدت دچار محدودیت می‌باشد. تمام ظرفیت‌هایی که در اقتصاد ایران وجود دارد، اگر به‌کار گرفته شود، قادر به پاسخ‌گویی به قدرت تقاضایی که در این سیستم یا ساختار دوگانه وابسته‌اش وجود دارد، نیست. نکته دیگر این است که بخش مهمی از تقاضاهای مصرفی در اقتصادهایی چون ایران تحت‌عنوان کلی «اثر نمایش» موضوعیت پیدا می‌کند و در واقع تقاضای مصرف در ایران با الگوهای مصرفی کشورهای پیشرفته صنعتی انطباق دارد، در حالی که ظرفیت‌ها و توانایی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تولید به‌هیچ‌وجه تناسبی با آن ندارد.

در چنین شرایطی طبیعتاً مصرف‌کنندگان بسیاری از آزادی‌های مرسوم برای انتخاب را نمی‌توانند داشته باشند. به‌دیگر سخن در این شرایط نه‌تنها مصرف‌کننده حاکمیت ندارد، بلکه به‌طور عمده تحت‌تأثیر فضای خاص اقتصادی - اجتماعی کشور قرار می‌گیرد و به‌ناچار الزامات و محدودیت‌های آن را می‌پذیرد.

به‌طور مثال مصرف‌کننده در زمینه‌هایی که میزان تقاضای خود را معین می‌کند، عرضه‌کننده مستقل از خواست و نیاز او و



جمع‌بندی رسیدند. «وبر» درباره سیستمی که وی آن را سیستم حسابداری منظم و عقلایی می‌خواند، معتقد است: این سیستم در تمام بنگاه‌های اقتصادی کشورهای صنعتی نهادینه شده است.

### ○ حقوق مصرف‌کننده زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که به حد نصابی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تولید دست پیدا کنیم.

همچنین در مورد تعهد دولت به آنکه فقط قواعد بازار را تعریف کند و سپس بر حسن اجرای آن نظارت کند، نوعی جمع‌بندی به‌وجود آمده بود. در چنین فضایی بود که در واقع حرکت سیستم اقتصادی رشد کرد و به اندازه‌های بسیار بالایی رسید و به دنبال آن یک ایده کلی به لحاظ فلسفی در زمینه حاکمیت مصرف‌کننده به‌وجود آمد، اما به‌طور جدی نقش نظارتی فعال گروه‌های مدنی و سازمان‌یافته مصرف‌کنندگان

دارایی‌های نقدی تبدیل کرده و بدون هیچ‌گونه در دسر آن را به بانک سپرده و یک عایدی خالص و فارغ از هر گونه زحمت، بدون آنکه مالیات هم پرداخت کنند، برای خود در نظر گیرند.

پرداخت ۱۸/۵ درصد سود خالص و بدون مالیات به سپرده‌گذاران، هزینه فرصت تولید را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود در جامعه اسلامی مان هیچ‌گونه فعالیت سالم تولیدی به وقوع نپیوندد. این امر باعث می‌شود ساختار تولید دچار مشکلات جدی شود و آثار و تبعات آن گریبانگیر مصرف‌کننده نیز شود.

### ■ برای حفظ حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان چه

#### نظری دارید؟

□ چنانچه دولت بخواهد در زمینه حفظ حقوق این دو قشر اقدامات اصلاحی جدی انجام دهد، باید نگاه خود را واقع‌بینانه‌تر و انتظارات خود را منطقی‌تر نماید.

انتظارات دولت باید مرتبه‌بندی شده و مرحله به مرحله پیاده شود. برای حفظ حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان توصیه می‌شود، بین مشکلات و محدودیت‌های فوری و کوتاه‌مدت که در این زمینه وجود دارد و مسایلی که در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت باید حل شود، تفکیک قایل شد.

در این زمینه نباید شعارهای آرمان‌خواهانه داد که در عمل درصد ناچیزی از آن را بتوان محقق کرد. برای آنکه بتوان حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را موضوعیت بخشید، باید ابتدا یک مرتبه‌بندی از فرصت‌ها، امکانات و موقعیت‌هایی که در اختیار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار دارد، ارائه داد. سپس در کنار آن، مجموعه محدودیت‌ها و تنگناهایی که این دو با آن روبه‌رو هستند را قرار داد و یک سازگاری منطقی بین اهداف ناظر بر حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد کرد تا بتوان برای حرکت از «وضعیت موجود» به سوی «وضعیت مطلوب» برنامه‌ریزی کرد.

○ مدیریت پولی ایران در دوره تعدیل ساختاری با پرداخت سود ۱۸/۵ درصدی به سپرده‌های بلندمدت در واقع هزینه فرصت تولید را افزایش داده و سبب شده که هیچ‌گونه فعالیت سالم تولیدی به وقوع نپیوندد.

### ■ آیا بین حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده مرزی قایل

قدرت پرداخت مصرف‌کننده، تصمیم می‌گیرد که به چه میزان بیشتر و یا کمتر از آنچه که او تقاضا کرده است، کالا در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. این امر در یک ساختار توسعه‌نیافته مانند اقتصاد ایران اجتناب‌ناپذیر است.

○ در شرایط کنونی اقتصاد ایران نه تنها مصرف‌کننده حاکمیت ندارد، بلکه تحت تأثیر فضای خاص اقتصادی - اجتماعی، به ناچار باید الزامات و محدودیت‌ها را بپذیرد.

در چنین فضایی باید دقت داشت بسیاری از حقوق بدیهی و اولیه مصرف‌کننده تحت تأثیر این محدودیت‌ها اساساً موضوعیت خود را از دست می‌دهد. متناسب با این موضوع، در بخش تولید نیز مسأله به همین شکل می‌باشد. به این معنا که در یک ساختار توسعه‌نیافته از خدمات جنبی و حمایتی برای یک تولیدکننده چندان خبری نیست.

به‌طور مثال اگر فعالیت‌های تولیدی با فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری مقایسه شوند، نتیجه می‌شود برای واسطه‌ها امکان فرار از مالیات بسیار وسیع و گسترده‌تر از تولیدکنندگان است. در چنین شرایطی میزان خطرات، زحمات و انرژی که برای فعالیت تولیدی گذاشته می‌شود، نسبت به فعالیت‌های واسطه‌گری بسیار بیشتر است، ولی میزان عایدات آنها با یکدیگر هیچ‌گونه تناسبی ندارد. به‌علاوه در اقتصاد ایران هیچ‌گونه اهرم نظارتی معنی‌داری روی سیستم‌های واسطه‌گری و دلالی، اعمال نشده، اما ده‌ها اهرم کنترلی و فشار روی تولید گذاشته شده است.

■ آیا سیاست‌های پولی کشور در دوران تعدیل ساختاری، حمایت از حقوق تولیدکنندگان را به دنبال داشته است یا خیر؟

□ مدیریت پولی ایران در دوره تعدیل ساختاری به تدریج میزان سود پرداختی به سپرده‌های بلندمدت خود را تا مرز ۱۸/۵ درصد افزایش داد و پرداخت به صاحبان سپرده‌ها نه تنها از مالیات‌ها و عوارض مرسوم معاف است، بلکه حتی پیش‌بینی شده است که از مالیات بر ارث نیز معاف باشد. روشن است این موضوع، تولیدکنندگان را تحت فشارهای سنگین روحی قرار می‌دهد و پایبندی آنها را از فعالیت‌های سالم و مولد سلب و آنان را وادار می‌سازد سرمایه‌های فیزیکی خود را به

اجتناب که می‌توان از آن احتراز کرد، در این زمینه می‌تواند موضوعیت پیدا کند. به‌دیگر سخن نوسانات و فراز و نشیب‌های پیاپی که در سیاست‌گذاری‌های دولت وجود دارد، موجب می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عملاً قادر نباشند چشم‌انداز شفافی از آینده اقتصاد کشور را تصویر کنند و این امر، راه را بر روی هر نوع اقدامات اصولی سد خواهد کرد.

**○ فراز و نشیب‌های پیاپی در سیاست‌گذاری‌های دولت موجب می‌شود که تولیدکننده و مصرف‌کننده نتوانند چشم‌انداز شفافی از آینده اقتصاد کشور تصویر کنند و این امر، راه را بر روی هر نوع اقدامات اصولی سد خواهد کرد.**

دولت باید از نوسانات شدید در تصمیم‌گیری‌های خود در زمینه وضع قوانین و مقررات جلوگیری کند و تمهیداتی را پیش‌بینی کند که تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود باشد.

**■ آیا دریافت مابه‌التفاوت روی کالاهای وارداتی حمایت از حقوق تولیدکنندگان داخلی را به دنبال دارد؟**

□ یکی از اشکالاتی که در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور وجود دارد و در واقع نوعی «پارادوکس» در اقتصاد ایران ایجاد می‌کند، این است که از یک سو مدام تصمیمات متخذه تغییر می‌یابد و از سوی دیگر در بسیاری از زمینه‌ها سیاست‌های اعمال شده، «یک بار برای همیشه» است.

در مورد سمت‌گیری‌های حمایتی از جمله دریافت مابه‌التفاوت، این امر یکی از مصادیق این مسأله می‌باشد.

حمایت‌های گمرکی و سود بازرگانی به قصد اینکه تولیدکننده داخلی قادر به رقابت و تداوم حیات باشد، اگر خصلت یک بار برای همیشه داشته باشد، به‌طور اساسی خاصیت خود را از دست می‌دهد. از سوی دیگر در مدیریت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی کشور برای واکنش مساعد نشان دادن نسبت به تغییراتی که اتفاق می‌افتد، قابلیت انعطاف محدودی وجود دارد.

برای مثال طی دوره اجرای برنامه تعدیل، تعدیل‌هایی که در حقوق گمرکی و سود بازرگانی شد، همیشه بین ۲ تا ۳ سال نسبت به واقعیت تغییراتی که در ارزش‌گذاری ارزشها صورت

□ به یک معنی هیچ‌گونه مرزی وجود ندارد، چرا که از یک سو مصرف‌کنندگان در موضعی دیگر تولیدکننده هستند و متقابلاً تولیدکنندگان نیز در فرآیند انجام فعالیت‌های تولیدی خود مکرر در موضع مصرف‌کننده و تقاضاکننده کالاها و خدمات قرار دارند. در نتیجه تفکیک این دو از یکدیگر بسیار دشوار است. برای حفظ حقوق آنها نیز باید آنها را به‌صورت یکپارچه در نظر گرفت و در چارچوب ملاحظات توسعه ملی حمایت از آنها را تعریف کرد.

**■ عوارض دولتی به‌ویژه مالیات، تا چه میزان حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده را تأمین می‌کند. آیا این عوارض به تأمین حقوق این دو قشر کمک می‌کند؟**

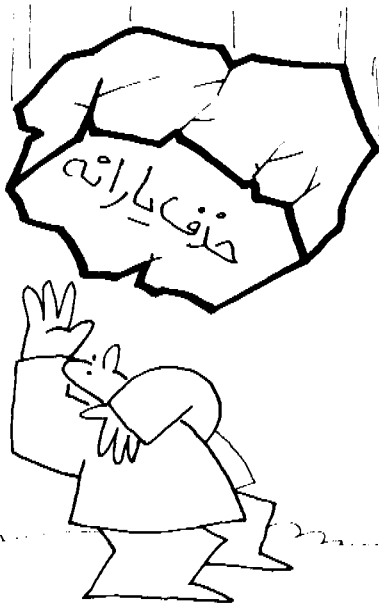
□ فلسفه کلی مداخلات دولت در اقتصاد کشور اعم از دریافت مالیات و سیاست‌هایی که در زمینه حقوق گمرکی و سود بازرگانی وضع می‌کند، با هدف مورد توجه قرار دادن توأم مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در چارچوب اهداف توسعه ملی صورت می‌گیرد و در واقع بین اهداف ناسازگاری که در سطح خرد میان عاملان اقتصادی وجود دارد و ملاحظات کلان و توسعه ملی باید نوعی سازگاری به‌وجود آورد.

روح و فلسفه دریافت مالیات و عوارض، چنین امری را اقتضا می‌کند. اما اگر واقعیت‌های موجود مبنای قضاوت و داوری قرار گیرد، باید گفت در سطح کلان نارسایی‌های موجود در نظام اقتصادی کشور، نشان می‌دهد که دولت در این زمینه نتوانسته است اهداف کلان و توسعه کشور را پیش ببرد.

**○ نمی‌توان مرزی بین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده قایل شد. برای حفظ حقوق آنها، باید هر دو به‌صورت یکپارچه در نظر گرفته شوند و در چارچوب ملاحظات توسعه ملی، حمایت از آنها تعریف شود.**

در این زمینه باید گفت، شرایط خاص توسعه نیافتگی بعضی از این اشکالات را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، یعنی دولت از طریق مالیات‌گیری در یک ساختار توسعه نیافته از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محدودی برای جهت دادن به فعالیت‌های اقتصادی برخوردار است.

مستقل از این امر، وجود نوسانات بسیار شدید در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی دولت، به‌عنوان یک امر قابل



کند که بتوانند به صورت راهبردی (استراتژیک) با آن محدودیت و مشکلی که وجود دارد، برخورد کنند.

در اقتصاد ایران، موضوع یارانه‌ها به طور کلی «قلب ماهیت» شده است. در واقع بخش مهمی از آنچه که دولت به عنوان یارانه پرداخت می‌کند، از نظر مصرف‌کنندگان به هیچ وجه مضمون یارانه‌ای ندارد. به طور مثال در قلمرو مسؤلیت‌های وزارت بازرگانی اگر به تغییرات یارانه پرداختی در زمینه نان مصرفی مردم نگاه شود، دیده می‌شود یارانه پرداختی به آن مفهوم نیست که در واقع خدمت بزرگی به مصرف‌کنندگان کرده باشد، بلکه تغییرات نجومی حجم یارانه پرداختی در این بخش، عمدتاً به تغییراتی که در قیمت‌گذاری نرخ ارز توسط خود دولت انجام می‌شود، مربوط است و نام آن یارانه گذاشته شده که به لحاظ محتوا و مضمون، به هیچ وجه معنی یارانه را نمی‌تواند داشته باشد.

همچنین در زمینه‌هایی که دولت عرضه کننده کالاها و خدمات است، بدون آنکه کوچکترین قدمی در زمینه کاهش ضایعات، افزایش بهره‌وری و... برداشته شود، بخش اساسی مشکل از طریق قیمت‌گذاری به مردم منتقل می‌شود و بخشی دیگر را دولت، خود به عنوان «یارانه» به عهده می‌گیرد. به عبارت دیگر در زمینه مسایل خاص ایران نکات ظریفی وجود دارد که به عقیده من به آثار و عوارض اجرایی برنامه تعدیل ساختاری بازمی‌گردد که باید آنها را به طور مستقل مورد توجه قرار داد.

می‌گرفت، عقب بود. به واسطه همین وقفه، بخش مهمی از سیاست‌هایی که دولت در این دوره اتخاذ کرد، نتوانست از کارکردهای مطلوبی در زمینه حمایت از تولید ملی برخوردار باشد.

○ نهادی که برای اجرای قانون حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان پیش‌بینی می‌شود باید دارای یک سیستم کارشناسی با ظرفیت بالا باشد تا مسایل را عادلانه بررسی و راه‌حل ارایه کند و در ضمن واقع‌بینی در تدوین اساسنامه و آیین‌نامه آن افزایش یابد.

■ دولت هر ساله برای حمایت از مصرف‌کنندگان و اقشار آسیب‌پذیر یارانه پرداخت می‌کند. آیا این امر نتیجه مثبتی به بار آورده است؟

□ به نظر من ابزارهای قیمتی عموماً ظرفیت و کارایی بسیار محدودی به لحاظ زمانی دارند. به علاوه نباید تصور کرد که می‌توان قوانین را یک بار برای همیشه وضع کرد.

در چارچوب ملاحظات توسعه‌ای گفته می‌شود، رویکردهای حمایت‌گرایانه قیمتی فقط باید به اندازه‌ای باشد که در کوتاه‌مدت برای عاملان اقتصادی و دولت، فضایی را ایجاد

چیزی را به وجود می‌آورند. بنابراین ابتدا باید موانعی که بر سر راه توسعه ملی در کل وجود دارد، مورد توجه قرار گیرد، سپس متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصاد کشور چنین لویایی به مجلس شورای اسلامی ارسال شوند.

به دیگر سخن، باید ابتدا زمینه‌ها هموار یا تصحیح شوند و سپس فضایی ایجاد شود تا حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده موضوعیت داشته باشد. تا چنین فضایی ایجاد نشده، دولت مجبور به انجام اقدامات و اتخاذ تصمیمات متناقض می‌باشد.

### ■ آیا افزایش قیمت‌ها در آغاز هر سال از سوی دولت، امری لازم و ضروری است یا خیر؟

□ در زمینه ضروری بودن یا نبودن افزایش قیمت‌ها از سوی دولت، به نظر من از لحاظ «تئوریک» هیچ الزامی برای افزایش قیمت‌ها وجود ندارد. اما اگر این الزام در چارچوب قانونی و حقوقی آن نگریسته شود، دیده می‌شود دولت براساس قانون مجلس در برخی موارد مکلف به انجام چنین امری است. در این زمینه‌ها ناگزیر باید افزایش قیمت‌ها انجام گیرد، ولو اینکه از نظر کارشناسی امری نادرست باشد.

به‌طور مثال در تبصره ۱۹ قانون برنامه پنج‌ساله دوم تصریح شده است که طی پنج سال قیمت فرآورده‌های نفتی باید چندین برابر افزایش یابد. منطق مترتب بر این افزایش این است که از این راه، آهنگ پرشتاب رشد مصرف انرژی مهار شود.

آمار رسمی چهارساله اخیر وزارت نفت نشان می‌دهد طی چند سالی که قیمت فرآورده‌های نفتی افزایش پیدا کرده، نه تنها رشد مصرف کم نشده است، بلکه نسبت به دوره‌هایی که فرآورده‌های نفتی بسیار ارزان‌تر بود، رشد مصرف بالاتر هم رفته است.

اگر سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمانی فعال باشد، باید در این زمینه واکنش کارشناسی نشان دهد. ولی به نظر من چون این افزایش قیمت‌ها در کوتاه‌مدت به معنای افزایش درآمدهای ریالی دولت است، اعتنای جدی به این مسأله نمی‌شود، غافل از اینکه در اقتصاد ایران بزرگ‌ترین مصرف‌کننده، خود دولت است و بنابراین با یک وقفه زمانی و با ابعاد بسیار پیچیده‌تری این افزایش قیمت‌ها در آینده گریبان دولت را خواهد گرفت.

برآوردهای اولیه در زمینه انرژی نشان می‌دهد، از کل انرژی مصرفی در ایران بیش از ۵۰ درصد آن در درون سیستم دولتی مصرف می‌شود، پس گمان دولت از اینکه با افزایش

○ رویکردهای حمایت‌گرایانه قیمتی باید به اندازه‌ای باشد که در کوتاه‌مدت فضایی را برای دولت و عاملان اقتصادی ایجاد کند که بتوانند به‌صورت راهبردی، محدودیت یا مشکلی را حل کنند.

### ■ آیا قوانینی برای حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده در ایران وجود دارد؟

□ نه تنها در این زمینه قوانین روشن و مستحکمی وجود دارد، بلکه یک نهاد بسیار قدرتمند با ظرفیت کارشناسی قابل توجه نیز وجود دارد که بنا به تعریف وظیفه تشکیلاتی و قانونی آن حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. ولی محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی که در پهنه اقتصاد ملی به‌عنوان یک اقتصاد توسعه‌نیافته وجود دارد، به اندازه‌ای است که عملاً کارکردهای سازمان حمایت را به سمت دیگری برده است و چیزی که کمتر در عملکرد جاری این سازمان مشاهده می‌شود، اعتنای به مصالح تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

در یک شرایط پیچیده و حاد اقتصادی، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز مانند هر نهاد دیگری وجهه اصلی همت خود را بر این قرار می‌دهد که با حداقل آسیب‌پذیری، امروز اقتصاد ایران به فردا رسانده شود و این امر در حقیقت نقض غرض اولیه از تأسیس این نهاد است.

### ■ جایگاه نهاد سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در اقتصاد ایران کجاست؟

□ آن چیزی که عملاً در حال اتفاق است، این است که در واقع ابزارهایی که در اختیار این سازمان برای دفاع و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار دارد، بسیار محدود است. در جامعه ایران از منزلت قانونی این نهاد عملاً برای جابه‌جایی‌هایی که در مورد بخش کوچکی از منابع مالی دولت صورت می‌گیرد، استفاده می‌شود و در حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان موفقیت چندانی کسب نشده است.

### ■ آیا مسکوت ماندن لایحه حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در مجلس شورای اسلامی، لطمه‌ای به این دو قشر نمی‌زند؟

□ مسکوت ماندن این لایحه ضرر چندانی برای حمایت از حقوق مزبور ندارد، زیرا تا بسترسازی مناسب انجام نشود، قوانین و مقررات به‌خودی خود، نه چیزی را حل می‌کنند و نه

قیمت انرژی آندوخته‌های خود را افزایش می‌دهد، امری غیرواقعی است.

آثار افزایش قیمت‌ها در نهایت به دولت بازمی‌گردد و آثار خود را روی کاهش کارآیی دستگاه‌های دولتی نشان می‌دهد. دولت قبل از آنکه بسترهای لازم را فراهم کند، فشارها را بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کند، در صورتی که دولت در زمانی می‌تواند از طریق متغیرهای قیمتی اصلاحات اقتصادی را انجام دهد که بستر و نهادها و سازمان‌ها و ابزارهای مناسب برای آن تدارک دیده باشد. اما در حالی که هیچ‌کدام از این اقدامات انجام نشود و فقط روی متغیر قیمت متمرکز شود، در واقع اجحافی است که به مصرف‌کنندگان می‌شود.

در زمینه موضوع انرژی که مسأله حاد همه محافل اقتصادی است، گزارش‌های وزارت نیرو نشان دهنده این است که میزان اتلاف انرژی در پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های ایران، تقریباً برابر کل مصرف انرژی توسط خودروهای کشور است. پس تا زمانی که اصلاحات مدیریتی و ساختاری و نهادی انجام نشود، در واقع فضایی برای تداوم اسراف‌ها و اتلاف‌ها ایجاد شده است و جریمه این سوءمدیریت‌ها را مردم باید پرداخت کنند.

همان‌طور که گفته شد یک سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مؤثر و فعال باید از ظرفیت‌های کارشناسی خود به گونه‌ای استفاده کند که با این سمت‌گیری‌های نادرست مقابله کند.

### ■ پدیده گرانفروشی در جامعه ایران چگونه به وجود می‌آید؟

□ پدیده گرانفروشی نیز از یک سو در اقتصاد ایران به عدم تناسب بسیار عمیقی که بین عرضه و تقاضا وجود دارد، بازمی‌گردد و از سوی دیگر سیاست‌های اقتصادی دولت در آن نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا این عدم تناسب عمیق به لحاظ تئوریک موجب می‌شود عنصر انتظارات نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در روند قیمت‌ها داشته باشد.

○ برای حل مشکل اختلاف قیمت در شهرهای مختلف، نمی‌توان حکم واحد داد، بلکه انجام یک سری مطالعات موردی و میدانی لازم است.

کل در اقتصاد ایران، کوچک‌ترین دستکاری‌هایی که در قیمت کالا توسط دولت انجام می‌گیرد، آثار فوری روی انتظارات عاملان اقتصادی می‌گذارد و یکی از وجوه واکنش‌های آنها دامن زدن به روندهای تورمی است.

### ■ سازمان تعزیرات حکومتی در اقتصاد ایران چه جایگاهی دارد؟

□ من‌ارزیابی دقیق و مطالعه‌شده‌ای از عملکرد این سازمان ندارم، ولی به واسطه مشکل ساختاری اقتصاد ایران یعنی عدم تناسب بسیار عمیق بین عرضه کل و تقاضای کل، در اصول وجود چنین نهادی را برای اقتصاد ایران ضروری می‌دانم.

### ■ برای اینکه یک نهاد کارآ و مطلوب برای تأمین حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده تأسیس شود، چه توصیه‌هایی دارید؟

□ دو توصیه کلی دارم:

۱- نهادی که برای اجرای آن قانون پیش‌بینی می‌شود، باید حتماً از یک سیستم کارشناسی با ظرفیت بالا استفاده کند تا بتوان به صورت عالمانه به مسایل موجود اقتصاد کشور نظر کرد و راه‌حلی در زمینه حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده ارائه داد.

۲- ضریب واقع‌بینی در تدوین اساسنامه و آیین‌نامه برای چنین سازمانی تا آنجا که مقدور است، باید افزایش پیدا کند. در اقتصاد ایران یک نسبت جاری به چشم می‌خورد که قوانین و مقررات بسیار مترقی و عالی تدوین می‌شود، اما ارتباط معنی‌داری با میزان توانایی‌های اجرایی - نهادی کشور ندارد.

### ■ در شهرهای مختلف نظام چندنرخه کالا وجود دارد که تضعیف حقوق مصرف‌کننده را به دنبال دارد، برای ریشه‌کن کردن این معضل چه باید کرد؟

□ برای چنین مسأله پیچیده‌ای یک حکم کلی و واحد نمی‌توان صادر کرد. برای حل این معضل باید یک سلسله مطالعات موردی و میدانی که مشخص کند در چه حوزه‌هایی و به چه شکل این فرآیند اتفاق می‌افتد، صورت گیرد. آنگاه پس از مطالعه کلی آنها بتوان یک سری روندهای عمومی را استخراج کرد و براساس آنها تصمیم در سطح ملی گرفت و برای آن دسته از مسایلی که خصلت منطقه‌ای دارند، در سطح همان منطقه برخورد نمود.

به واسطه فزونی بسیار شدید تقاضای کل نسبت به عرضه